

تحلیل نشانه‌شناختی احادیث «رازداری» بر اساس مدل رومن یاکوبسن

سارا حیدری^۱

حمیدرضا بصیری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

چکیده

دانش فقه الحدیث یکی از راه‌های بررسی احادیث است که به مضمون احادیث جهت فهم لب کلام معطوف است. رازداری و آثار آن از جمله روایاتی است که محتوای آن، کمتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. پژوهش حاضر برای بررسی فقه الحدیثی روایات رازداری درصدد است با بهره‌گیری از دانش نشانه‌شناسی، لایه‌های مختلف مضمون احادیث مذکور را بررسی کرده و ساختار و نشانه‌شناختی آن‌ها را واکاوی نماید. در این پژوهش - که به روش توصیفی - تحلیلی و براساس رویکرد رومن یاکوبسن انجام شده - برخی از احادیث رازداری مورد نشانه‌شناسی قرار گرفته است. از آن‌جا که نشانه‌شناسی دانشی است که به وسیله آن می‌توان به حقایق از قرآن و احادیث دست یافت تا ارتباط میان خدا و بشر و میان انسان‌ها را بهتر سامان داد و نشانه‌شناسی درصدد ایجاد طریقه‌ای برای دستیابی به معناست، ابزارها و مولفه‌هایی را پیش روی پژوهش‌گران قرار می‌دهد تا با مطالعه روشمند نشانه‌ها تحلیل‌های سودمندی از متون را فراهم آورد. نظریه ارتباط کلامی اهمیت ویژه‌ای در کشف معنا و اهداف در فرآیند ارتباط اجتماعی دارد. از دیدگاه یاکوبسن برای فهم هر موضوعی ساختارهای کلامی را با توجه به کارکردهای شش‌گانه باید معنا کرد و با در نظر گرفتن عناصر دخیل در ارتباطات زبانی است که فهم حاصل می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد روایات رازداری در قالب اسلوب‌های متفاوت معنایی به کار رفته و دلالت‌های عمیقی را دربردارد. در این دیدگاه احادیث رازداری با توجه به اهداف ارتباطی در فرآیند ارتباطی اجتماعی آن قابل

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول)، (sara.sh.heydai@gmail.com).

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی (basiri_hr@yahoo.com).

تبیین هستند و در قالب کارکردهای شش گانه وی قابلیت تطبیق داشته و پرده پوشی و حفظ اسرار - که معنای بنیادین و مشترک روایات رازداری است و به عنوان ویژگی مومن مطرح شده است - در کارکردهای ترغیبی و عاطفی و ارجاعی رویکرد ارتباطی کلامی رومن یاکوبسن بیشتر نمایان است و دارای آثار و ابعاد فردی و جمعی عمیقی در سطوح مختلف روابط انسانی است.

کلیدواژه‌ها: فقه الحدیث، رازداری، نشانه شناسی، رویکرد ارتباطی کلامی، یاکوبسن.

۱. بیان مسأله

احادیث اسلامی به عنوان یکی از متون دینی قابل شناخت است که مانند هر یک از علوم، زبان خاص خود را دارد و در آن‌ها به جنبه‌های متنوعی از اقوال، بیان داستان‌ها، تمثیل، پیوند مسائل خداشناسانه و انسان‌شناسانه، روابط بین فردی و بیان حقایق عالم هستی، تبیین موضوعات قرآنی و حتی بیان مصادیق و ظرافت‌های ادبی پرداخته شده است.

یکی از موضوعات مهم در سطوح مختلف روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، حکومتی و حتی تبادلات علمی، رازداری و حفظ اسرار دیگران است که با توجه به آثاری که بر آن مترتب است، به عنوان یکی از اصول مهم اخلاقی و عرفانی از آن یاد می‌شود. از این رو، دین اسلام نیز - که دین مکارم اخلاق است - مجموعه‌ای از روایات وجود دارد که به این مهم پرداخته است.

احادیث در باب رازداری و حفظ اسرار دیگران در منابع روایی، با نقل‌های متفاوت و در قالب‌های متعدد آمده است. طبق محتوای بیش از ۱۳۰ حدیث موجود در این زمینه بنا بر آن چه در منابع حدیثی قابل رویت است، پیامبر ﷺ و هفت تن از اهل بیت ایشان، به ویژه امیرالمومنین علیه السلام و امام صادق علیه السلام بدین موضوع بیش از سایر امامان پرداخته‌اند و توضیحاتی درباره این مهم در کتب شارحان حدیثی و کتب اخلاقی و عرفانی دیده می‌شود که علاوه بر این که دلالت بر اهمیت نقش و تأثیر آن دارد، به عنوان عنصری تعیین کننده در شناسایی و ارزیابی افراد جامعه می‌تواند قلمداد گردد.

ذکر این نکته لازم است که بدون شک روایاتی را بررسی فقه الحدیثی می‌شوند که وثاقت صدوری آن‌ها، محتمل بوده، یا منبع نقل شده اعتبار کافی را داشته باشد. بنابراین، پس از بررسی سندی و با توجه به این که در فقه الحدیث به دنبال فهم محتوا و درون مایه احادیث هستیم، مضمون احادیث رازداری از جنبه‌های مختلف محتوایی می‌تواند مورد توجه قرار

گیرد که مسأله این پژوهش درباره بررسی محتوا و مضمون احادیث مذکور از منظر دانش نشانه‌شناسی است.

با توجه به ظرفیت‌هایی که در دانش نشانه‌شناسی و نظریه‌های زیرمجموعه آن وجود دارد، زمینه‌ای مناسب برای انجام پژوهش‌های حدیثی به منظور کشف ابعاد نوینی از شیوه بیان و کلام معصومین وجود دارد که هنوز به اندازه کافی از این رهیافت‌ها در مطالعات حدیثی بهره برده نشده است. دانش نشانه‌شناسی به صورتی روشمند به بررسی نشانه‌ها در کلام و زبان متون مختلف می‌پردازد تا به فهم عمیق‌تری از آن‌ها دست یابد.

متون مورد مطالعه در این پژوهش کتب حدیثی است که در آن‌ها به موضوع رازداری پرداخته شده است. در احادیث مربوط به رازداری - که از آن تحت عنوان سرّیا اسرار یاد می‌شود - آن چه مورد اهمیت است فهم جوانب کاربرد نشانه‌شناسی و فقه الحدیثی در باب رازداری است تا از این رهگذر وجوهی دیگر از ابعاد بیانی و فقه الحدیثی احادیث ارزشمند اسلامی در منظومه معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام روشن گردد.

بنابراین، پژوهش حاضر تلاشی برای بهره‌گیری از این ظرفیت در مطالعات حدیثی به شمار می‌آید تا پیوند میان دال و مدلول‌ها را به طریق نوینی با استفاده از علوم ابزاری دیگر بتوان فهم و درک کرد. در حوزه زبان‌شناسی برای یافتن دلالت‌های معنایی واژگان به علم نشانه‌شناسی متمسک می‌شوند که نخستین بار توسط فردینال دوسوسور مطرح شد.^۱ نشانه‌شناسی به تحلیل نشانه‌ها در قالب یک نظام می‌پردازد. با توجه به این که بر اساس مکاتب زبان‌شناسی، مانند مکتب دوسوسور، نشانه‌ها ناشی از پیوند دال و مدلول است، در احادیث رازداری به دنبال یافتن نشانه‌هایی هستیم که دال و مدلول را به یکدیگر گره می‌زند و موجب فهم گونه‌ای از معنا می‌شوند که مبتنی بر نشانه‌ها و ارتباطات کلامی و کارکردهای زبانی است که خود عناصر موثر دیگری را در فرآیند فهم معنا دخیل می‌داند. بدین منظور، ضمن برشمردن برخی از احادیث مذکور از نظریه کارکردهای شش‌گانه «رومن یاکوبسن» به عنوان الگوی منتخب این پژوهش برای فهم معنای این احادیث بهره گرفته شده است و بسامدهای کاربرد هر یک از این کارکردهای شش‌گانه شامل کارکرد ارجاعی، عاطفی، حکمی ترغیبی، همدلی، فرازبانی، هنری و ادبی در احادیث مربوط به رازداری بررسی می‌شود.

۱. «فراز و فرود نشانه‌شناسی از دانش تا روش»، ص ۳۸-۳۹.

نوشتار حاضر، با به کارگیری روش‌های عملیاتی دانش‌شناسانه‌شناسی، ساختار محتوای احادیث رازداری را مورد تحلیل قرار می‌دهد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که «مفهوم احادیث رازداری تا چه میزان قابلیت انطباق با رویکرد رومن یا کوپسن را داراست؟ و کدام یک از کارکردهای شش‌گانه ارتباطی کلامی او با این احادیث قابل فهم و تطبیق است؟».

۲. پیشینه تحقیق

اگرچه در بدو امر به نظر می‌رسد که درباره موضوع رازداری آثار بسیاری موجود است، اما پس از تأملی دقیق‌تر جز آثار محدودی در این حوزه - که به نحوی مستقیم یا غیرمستقیم به آن پرداخته باشند - پژوهش‌های کمی انجام شده است؛ هر چند در آثاری مانند «نگاهی به حدیث المجالس بالامانه»، نویسنده به بررسی متنی و سندی روایات مذکور - که قریب به ده روایت در آداب مجالس است - پرداخته و برداشت‌های فقها و عالمان اخلاق را در خصوص این روایت آورده است و مفاد حدیث مذکور را - که ناظر بر آداب مجلس است - شرح و تبیین می‌کند تا میزان اهمیت آن را روشن سازد؛^۱ اما بخشی از این موضوع را - که انحصار در آداب مجالس است - دربرگرفته است.

اکبر عروقی موفق در مقاله «تحلیل اخلاقی مسأله افشای سِر در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)»، به اهمیت رازداری در نظام مشاوره و پزشکی پرداخته و از رازداری به عنوان یکی از اصول نظام‌نامه اخلاقی سازمان روان‌شناسی و مشاوره ایران یاد می‌کند.^۲ این مقاله نیز انحصار در زمینه مشاوره و درمان دارد.

مهدی شریعتی و نسرین زارع در مقاله «مفهوم رازداری در آثار متقدمان ادبیات عرفانی (به استناد به آیات و احادیث)» معتقدند که راز و رازداری از عمده مسائلی است که در ادبیات عرفانی مطرح است که اگرچه در مقامات هفت‌گانه طریقت و حالات ده‌گانه عارف ذکر نشده است، اما از شرایط مهم سیر و سلوک به حساب می‌آید و با اشاره به آرای عارفان برجسته، به معرفی رازدانان و نامحرمان راز می‌پردازد و خداوند، پیامبر ﷺ و حضرت علی ع را رازدانان جهان معرفی می‌کند و با استناد به آرای سنایی نتیجه می‌گیرد که کوشش برای پی بردن به اسرار به مفهوم پای نهادن در دیار حیرانی‌ها است.^۳

۱. «نگاهی به حدیث المجالس بالامانه»، ص ۵.

۲. «تحلیل اخلاقی مسئله افشای سِر در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)»، ص ۷.

۳. «مفهوم رازداری در آثار متقدمان ادبیات عرفانی (به استناد به آیات و احادیث)»، ص ۵۱-۶۴.

غلامرضا پیروز و علی اکبر باقری خلیلی در مقاله «راز و رازداری در عرفان مولوی» آورده‌اند که رازداری حاصل پاکی دل و روشنایی دیده و آشنایی گوش است که به مدد ریاضت و صداقت برای سالک و عارف به وجود می‌آید و عارف واصل کسی است که در حفظ اسرار می‌کوشد و هدف سالک وصال به حق و معرفت بر امور و پدیده‌هایی است که عقل بدان راهی ندارد.^۱ این مقاله نیز اگرچه به اهمیت رازداری پرداخته است، اما آن را به عنوان اصلی برای عارف و سالک نشان می‌دهد؛ در حالی که این اصل انحصار در عرفان و برای عارفان ندارد.

مجید صادقی حسن آبادی و فاطمه زارع در مقاله «سرّ و مصادیق آن در عرفان با تأکید بر اندیشه ابن عربی» به این مطلب می‌پردازند که سرّ یکی از لطایف الهی و از مضامین کلیدی است که خداوند در موجودات به ودیعه گذاشته و مربوط به عالم ورای عقل است و در اندیشه عرفا مورد توجه قرار گرفته است و زبان بیان اسرار را زبان تمثیل و استعاره و رمزی داند و رابطه راز و سرّ با مقوله‌هایی از قبیل حیرت مرتبط است که هم مجهول و هم معلوم است.^۲

درباره بخش نشانه‌شناسی نیز از این رویکرد و روش در مورد واژگان قرآنی آثار بسیاری وجود دارد؛ اما در حوزه حدیثی کمتر بدان پرداخته شده است. از جمله آثاری که در این حوزه می‌توان ذکر کرد، کتاب نشانه‌شناسی ادبی در کاربرد قرآن و حدیث اثر محمدرضا راشد است که در سال ۱۳۸۰ توسط انتشارات روزگار منتشر شد و مؤلف تلاش کرده ضمن معرفی این دانش به کاربرد آن در حوزه قرآن و حدیث اقدام نماید ولی بیشتر به تأثیرپذیری ادبای ایرانی در متون از کلام الهی و سخنان پیامبر و معصومین اشاره دارد و پیوند عناصر ایرانی و اسلامی در عرصه ادبی را بازگو و نمایان می‌کند.^۳

مقاله «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن» توسط علی‌رضا قائمی نیا به چاپ رسیده که در آن به کارکردهای نشانه‌شناسی و ماهیت این علم پرداخته و تأثیر نشانه‌شناسی بر نظام معنایی و سازوکار تکثیر و تنوع‌بخشی معنایی قرآن را بررسی کرده است.^۴ این آثار، در کنار کتب معناشناسی ایشان - که در دو جلد توسط انتشارات حوزه و دانشگاه منتشر شده است

۱. «راز و رازداری در عرفان مولوی»، ص ۱۷-۱۸.

۲. «سرّ و مصادیق آن در عرفان با تأکید بر اندیشه ابن عربی»، ص ۲۶۳-۲۷۸.

۳. نشانه‌شناسی ادبی در کاربرد قرآن و حدیث، ص ۱۵.

۴. «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، ص ۱۳۷-۱۳۸.

- قابل بررسی و استفاده فراوان در این حوزه است.

اگرچه در آثار موجود به بررسی محتوایی برخی احادیث رازداری در مقالاتی پرداخته شده و جنبه‌هایی از درون‌مایه‌های اخلاقی این احادیث شریف استخراج شده و در مقالاتی مانند «نگاهی به حدیث المجالس بالامانه»، جلوه‌هایی از سندشناسی احادیث آداب مجالس مورد توجه قرار گرفته و کوشش‌هایی از سوی پیشینیان صورت گرفته است، اما باید توجه داشت که اثری مستقل درباره بررسی فقه‌الحدیثی و نشانه‌ای این دسته از روایات تاکنون نگاشته نشده است.

هر چند موضوع رازداری، مورد توجه اندیشمندان حوزه‌های مختلف قرار گرفته است و در قالب کتاب‌ها و مقالاتی از طرف پژوهش‌گران مورد تحلیل قرار گرفته است و در آثاری نظیر: آثار رازداری در عرصه فردی و حکومتی از محمد قیطاسی، آرامش در پرتو رازداری در زندگی اثر علی‌رضا فرهنگ، زمان رازداری نوشته سیمون دو بووآر، فرهنگ اخلاقی معصومین علیهم‌السلام - که رازداری به عنوان بخشی یا اصلی مهم معرفی شده - یا در میان آثار روان‌شناختی، مانند کتاب تعهد حرفه‌ای در روان‌پزشکی توسط گلن او. گابارد به عنوان مسئولیتی ذاتی در این حوزه معرفی شده است، اما هر یک ابعاد از این مهم را در برمی‌گیرد. به همین جهت، پژوهش حاضر درصدد است تا جوانب و ابعاد مختلف این روایات را براساس رویکرد رومن یا کویسن نشان دهد.

از آن جایی که یکی از راه‌های بررسی احادیث، تحلیل محتوای آن‌هاست، پژوهش حاضر فارغ از مطالعات سندی، به بررسی محتوای روایات رازداری و افشای راز با استفاده از فنون دانش‌نشانه‌شناسی اختصاص دارد و ژرفای کلام اهل بیت علیهم‌السلام را از این جنبه - که گویای ابعاد وسیع رازداری در سطوح مختلف تعاملات انسانی است - با تطبیق بر نظریه کارکردهای شش‌گانه زبانی یا کویسن مورد بررسی قرار می‌دهد و از این جهت، این نوشتار نوآورانه است که پیش از این بهره‌گیری از این روش در حوزه حدیثی انجام نگرفته است.

۳. مفهوم‌شناسی واژگان

۳-۱. سَرِّ راز

زمانی که از سَرِّ راز سخن به میان می‌آید، بیشتر به عنوان یکی از اصول اخلاقی و عرفانی از آن یاد می‌شود که در گذشته و در میان متون روایی و ادبی و عرفانی ذیل باب آداب

مجالست از آن یاد شده و تعاریف گوناگونی از آن صورت گرفته است. سَرّاز ماده سرر است:

السرهو الحديث المكتوم فی النفس.^۱

ابن منظور می‌گوید:

اسرّالشیء کتمه و اظهروه و هو من الاضداد.

یعنی اسرّاز اضداد است و در قرآن سرّ و مشتقات آن ۳۳ مرتبه استفاده شده که هم در معنای آشکار کردن و هم در معنای پنهان کردن آمده است.^۲ در فرهنگ‌های فارسی نیز راز(سرّ) در لغت، هرگونه امر و مطلب پوشیده و نهان، اعم از گفتار کردار و حالات است^۳ که در دل نهفته باشد که باید آن را پنهان داشت یا آن را به اشخاص خاصی می‌توان گفت^۴ و معمولاً صاحب آن راضی به فاش شدن آن نیست.

با این تعاریف، مشخص می‌شود که سرّ(راز) سطوح و جنبه‌های مختلفی دارد که وجه مشترک آن در تعاریف اخلاقی و عرفانی و لغوی لزوم حفظ و پوشیده بودن امری و نگهداری از آن در دل است. سرّ چیزی است که حتی نفس از آن آگاه نگردد. راز هر چیزی است که خداوند آن را پوشیده، ولی خود بدان اشراف دارد. سر دو گونه است: سرّی برای خدا که بی‌واسطه نسبت به آن داناست و سرّی برای مردم که خداوند آن را می‌داند، اما با واسطه می‌نماید. سرّی که از خود اوست و برای اوست، خود خداست که جز با خدا آشکار نمی‌گردد و آن چه را که مردمان آشکار می‌کنند، دیگر راز نیست.^۵

۳-۲. افشای راز

با توجه به تعاریف ارائه شده از راز و وجه مشترک و قدر متیقن آن - که دلالت بر امر پنهانی و حالت نهفته در دل دارد - حفظ و نگهداری آن ضرورت دارد و افشای آن را در حکم خیانت (در امانت) می‌توان قلمداد کرد که در زبان و بیان ادبا و عارفان و اندیشمندان اخلاقی با تعابیر مختلفی از آن یاد شده است. به تعبیر دیگر افشای راز ظاهر کردن و انتشار آن در میان مردم است.^۶

۱. المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲. لسان العرب، ج ۴، ص ۳۵۷.

۳. فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۶۱۹.

۴. لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه راز.

۵. اللمع فی التصوف، ص ۲۶۷.

۶. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۰۳.

نراقی می گوید:

اگر افشای اسرار منشاء عداوت داشته باشد از ذایل قوه غضبیه به شمار می رود و اگر ریشه در سود مالی و مادی داشته باشد، از ذایل قوه شهویه به شمار می رود. در هر دو صورت، ناشی از خباثت درونی و نفسانی انسان است و امری مذموم و مورد نهی است و برخلاف بسیاری از ذایل اخلاقی - که استثنائاتی در کتب اخلاقی برای آن برشمرده اند - برای افشای اسرار دیگران هیچ گونه استثنائی ذکر نشده است.^۱

از نظر سنایی، سرّ حکمت و راز عشق الهی است و آن چه عوام راز می دانند، تنها مجهولاتی است که چون افشا گردد، دیگر راز نیست؛ اما راز عشقی است که از امور مادی برتر است و به جهان غیب تعلق دارد و راز برای خواص است.^۲

در این زمینه رسول خدا ﷺ می فرماید:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ ثُمَّ التَّمَّتْ فِيهِ أَمَانَةٌ؛^۳

هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می گوید، سپس به اطراف خود نگاه می کند [که دیگری آن را نشنود] آن به منزله امانت است [و افشای این سرّ همچون خیانت در امانت است].

بنابراین، از مجموع روایات موجود در این زمینه می توان برداشت کرد که هر سخنی که گوینده، آن را با دیگری در میان بگذارد و شنونده آن کلام را با دیگری رد و بدل کند و نزد خود پوشیده و محفوظ ندارد، افشای راز و نوعی خیانت به شمار می رود؛ حتی اگر تصریح به رازداری نشده باشد؛^۴ زیرا چنانچه بر راز بودن آن تصریح شود، مسئولیت آن به مراتب افزون و حکم امانت بر آن مترتب می شود و راز همچون امانت است و بر اساس آیات قرآن امانت را به اهلش باید سپرد و از افشای آن به هر نحو خودداری نمود. این امر، به ویژه زمانی که با آبروی افراد یا احتمال خسارت عمومی مرتبط باشد، ضرورت حفظ آن دوچندان می شود.

۳-۳. نشانه شناسی

تاکنون تعاریف متعددی از نشانه شناسی شده که یکی از شاخه های زبان شناسی به

۱. جامع السعاده، ج ۲، ص ۳۶۵-۳۶۶.

۲. حقیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، ص ۳۶۷.

۳. المحججه البيضاء، ج ۵، ص ۲۳۷؛ احیاء العلوم، ج ۳، ص ۱۱۴۲.

۴. «نگاهی به حدیث المجالس بالامانه»، ص ۱۰.

شمار می‌آید. برخی آن را به مثابه یک علم و برخی آن را به مثابه یک روش کاربردی ذیل هر علمی برشمرده‌اند.

نشانه‌شناسی علمی است که ریشه در تاریخ بشر دارد؛ زیرا از دوران باستان همواره فیلسوفان، منطقدانان، دستورشناسان به تحقیق درباره نشانه‌ها مشغول بودند و تا به امروز نیز شاهد تلاش‌های مستمر زبان‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و ادب‌پژوهان برای تدوین نظریه‌ای منسجم درباره دلالت ارتباط و شناخت بوده است.^۱

عنوان نشانه‌شناسی را ابتدا جان لاک^۲ مطرح کرد و از نشانه‌شناسی به شناختی که هم به مفاهیم ذهنی و هم به نشانه‌های روابط انسانی پردازد، تعبیر کرد.^۳ نشانه‌شناسی یا سمیولوژی^۴ علم مطالعه نظام نشانه‌ای فرآیندهای تاویلی و ابزارهای پژوهشی برای فهم حقیقت پنهان در پس علائم، رموز و نشانه‌هاست که پژوهش‌گر با تمرکز بر کارکرد نشانه‌ها به تولید معنا و چگونگی معنادار شدن زیست جهان انسان‌ها توسط نظام نشانه‌ای آن‌ها می‌پردازد. به همین جهت، پدیده‌ها به تنهایی معنا پیدا نمی‌کنند، بلکه در درون شبکه‌ای از معانی جای می‌گیرند که دارای چهارچوب‌های خاص هستند. نشانه‌شناسی با مطالعه این چهارچوب‌ها به مطالعات حوزه‌های مختلف می‌تواند یاری رساند. به عبارت دیگر، نشانه‌شناسی علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای مانند زبان و رمز و علائم است که زبان بخشی از آن است و نشانه‌شناسی علم مطالعه نظام‌های نشانه‌ای غیرزبانی است. در نظام‌های نشانه‌ای از سطوح فراگیری از زبان استفاده می‌شود که در تعامل با دیگر نظام‌هاست؛ مانند نشانه‌شناسی لایه‌ای که متون را با وجود عوامل بافتی و انسانی دخیل در آن به مثابه نشانه به کار می‌گیرد و متن را پدیده‌ای متشکل از لایه‌های مختلف می‌داند که خود نمود عینی و نظام رمزگانی است و هر یک از لایه‌های متنی انتظاراتی از دیگر لایه‌ها را به وجود می‌آورد.^۵

در دانش نشانه‌شناسی هر واژه علاوه بر معانی تحت اللفظی خود می‌تواند معانی ضمنی را در برداشته باشد که به تداعی‌های اجتماعی و فرهنگی و شخصی، اعم از عاطفی،

۱. درآمدی بر نشانه‌شناسی، ص ۱۱.

2. John Locke

۳. عناصر نشانه‌شناسی، ص ۱۴-۱۵.

4. Semiology

۵. نشانه‌شناسی کاربردی، ص ۱۹۸-۲۰۶.

ایدولوژیکی و... برمی‌گردد.^۱

پس روشن می‌شود که هدف نشانه‌شناسی رمزگشایی از محتوای نشانه‌شناختی و جستجوی سطح معنایی ثابت و کلی‌تر در آن است و از جنبه‌ای دیگر بررسی و درک نظامی از نشانه بدون توجه به ماهیت و محدودیت‌های آن است و بدین ترتیب، به دنبال کشف پویایی اجتماعی از طریق تحلیل رمزگان (کدها)، مناسبات ساختاری و نظام‌های نشانه‌ای آن‌ها و ساختارهای دلالت است.^۲

بر اساس توضیحات مفهوم‌شناسانه فوق درمی‌یابیم که زبان متون دینی اسلامی - که از مجموعه آثار حدیثی و قرآن تشکیل شده‌اند - به منزله زبان ارتباطی خداوند و معصومین با بشر دانسته شده تا بدین وسیله زمینه هدایت، رشد و سعادت را برای انسان در اعصار مختلف مهیا سازد. بنابراین، بر اساس رویکرد نشانه‌شناسی می‌توان از متون حدیثی و آیات قرآن به عنوان نوعی نشانه یاد کرد.

نشانه‌شناسی با رویکرد روشمندی که دارد، نقشی موثری در دستیابی به فهم عمیق‌تری از متون دینی و حدیثی را می‌تواند ایفا کند و میراث ارزشمند مسلمانان از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام - که زمینه‌ساز هدایت و سعادت دنیوی و اخروی است - به گونه‌ای پویاتراز گذشته فهمیده شود. بنابراین از مهم‌ترین روش‌های فهم متون دینی می‌تواند قلمداد شود.

۴. نظریه ارتباط کلامی رومن یاکوبسن

یاکوبسن،^۳ از نظریه‌پردازان مکتب پراگ، معتقد است زبان کارکردهای مختلفی دارد که میان هریک از کارکردهای زبان تمایز قایل است. وی شش عنصر را در هر عمل ارتباطی دخیل می‌داند که عبارت‌اند از: فرستنده، پیام، گیرنده، حامل، کد و زمینه. او تصریح می‌کند که زبان می‌تواند چندین نقش را توأمان داشته باشد و این نقش‌های زبانی با توجه به شش عنصر دخیل در ارتباطات زبانی کارکردهای شش‌گانه‌ای را برای زبان قابل تصور می‌سازد.^۴

از دیدگاه یاکوبسن هدف اساسی گفتگوسازان پیام به دیگران است و گوینده بر اساس

۱. همان، ص ۷۸.

۲. «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، ص ۱۲.

3. Roman Jacobsen

۴. از زبان‌شناسی به ادبیات، ص ۲۱-۶۴.

نیاز خویش پیامی را به مخاطب می‌رساند و مخاطب جهت فهم کلام به رمزگشایی از پیام گوینده مبادرت می‌کند و این رمزها و کدها در غالب موارد میان فرستنده و گیرنده مشترک است و مجرای ارتباطی که این انتقال پیام را ممکن می‌کند که از آن تعبیر به کانال شده است. در کنار موضوع، فضای حاکم برگفتگو - که ارتباط با آن شکل می‌گیرد - ارکان اصلی یک ارتباط را می‌سازند و اجزای پیام و زمینه آن ساخت‌های زبانی را تشکیل می‌دهند.^۱

بر اساس نظریه رون یاکوبسن تمامی ساخت‌های زبانی دارای اهدافی است که باید با آن‌ها را با توجه به اهداف ارتباطی تبیین شود. او با الهام از اندیشه‌های دوسوسور اظهار می‌کند:

تمامی جنبه‌های ساخت زبانی را باید با اشاره به اهداف ارتباطی آن جنبه‌ها تبیین کرد.^۲

به همین جهت، نظریه ارتباط کلامی او اهمیت ویژه‌ای در کشف معنا و اهداف در فرآیند ارتباط اجتماعی دارد. در نقطه نظریه یاکوبسن برای فهم هر موضوعی، ساختارهای کلامی را با توجه به کارکردهای شش‌گانه باید بررسی و معنا کرد و با در نظر گرفتن عناصر دخیل در ارتباطات زبانی است که فهم حاصل می‌شود. بر اساس دیدگاه یاکوبسن احادیث رازداری دارای اهدافی است که با توجه به اهداف ارتباطی در فرآیند ارتباطی اجتماعی آن قابل تبیین هستند و باید اهداف ارتباطی در تجزیه و تحلیل‌های زبانی مورد توجه قرار گیرد. به همین جهت، برخی از روایات مربوط به رازداری با برخورداری از مولفه‌های ارتباطی کلامی شش‌گانه رویکرد یاکوبسن که قابلیت بررسی و تطبیق با این نظریه را دارا هستند که در ذیل به آن‌ها پرداخته شده است.

۵. کارکردهای شش‌گانه ارتباطی کلامی یاکوبسن

۵-۱. کارکرد عاطفی (بیانی)

بر اساس مدل ارتباطی کلامی یاکوبسن، چنان‌چه پیام مربوط به فرستنده باشد، نقش عاطفی و بیان‌گرایانه دارد و مربوط به تأثرگوینده در خصوص موضوع و موقعیتی است که درباره آن سخن گفته است. به عبارت دیگر، جهت‌گیری پیام به سمت گوینده است. این کارکرد نگرش موجود نسبت به یک موضوع را نشان می‌دهد و رابطه بین پیام و فرستنده را

۱. دو قطب استعاری مجازی، ص ۲۶۱-۲۶۶.

۲. زبان‌شناسی و شعرشناسی، ص ۹۰.

مشخص می‌کند و جهت‌گیری و حالات درونی فرستنده پیام را بیان می‌کند. بنابراین عملکرد آن، ذهنی و دربردارنده دلالت‌های ضمنی و سبک‌های مختلف می‌تواند باشد: در این کارکرد گوینده یا مَنِ ضمنی از عواطف و احساسات خود سخن می‌گوید.^۱

براین اساس، می‌توان گفت این روایت که امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

رازداری برای ما جهاد در راه خداست.^۲

و قریب به این مضمون از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده که می‌فرمایند:

کِتْمَانُ سِرِّنا جِهَادٌ فی سَبیلِ اللَّهِ؛^۳

پوشیده نگه داشتن اسرار ما، جهاد در راه خداست.

گویای نگرش ائمه نسبت به موضوع رازداری است.

استعاره، از این جهت که ادعای گوینده است، دارای کارکرد عاطفی است و به همین جهت، دارای ابهام و نوعی از رمزگونی است و از کارآمدترین ابزارها برای روشن‌گری است. تشبیه امور عقلی به حسی با هدف تسهیل فهم مخاطب، اگرچه در ابتدا متناقض نما و دارای ابهام به نظر می‌رسد، اما گوینده با استخدام تشبیه به جهاد، آن را با امنیت درمی‌آمیزد و عاطفه گوینده از حالت رمزگونی خارج می‌شود. در عین حال، برشمردن رازداری به عنوان نوعی جهاد و عواقب افشای راز - که می‌تواند نوعی ترک جهاد و نقطه مقابل آن باشد - دارای بُعد ترغیبی نیز هست. بنابراین، نقش توأمان در آن‌ها می‌توان دید.

بررسی کلام امام رضا علیه السلام و امام صادق علیه السلام - که رازداری را جهاد در راه خدا خوانده‌اند - نشان می‌دهد که استعاره عنصر غالب رمزساز کلام این امامان معصوم علیهم السلام است و اگرچه از ابزارهای شعری است، اما منحصر در شعر و ارتباطات کلامی نمی‌شود. به تعبیر، یا کوبسن:

کلام در استعاره و مجاز به فشرده‌ترین شکل بیانی خود دست یابد.^۴

بدین ترتیب، می‌توان گفت روایاتی که رازداری را امانت و افشای راز را هم‌سنگ قتل و خیانت معرفی می‌کند، از آن جا که می‌تواند به نوعی زبان حال گوینده باشد و میزان اهمیت

۱. دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ص ۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۴۸.

۳. همان، ج ۷۵، ص ۷۰.

۴. دو قطب استعاری مجازی، ص ۶۲.

پیام را برای مخاطب ایجاد کند، کارکرد عاطفی (بیانی) دارد.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَا قَتَلْنَا مَنْ أَدَاعَ حَدِيثَنَا قَتْلَ خَطَاةٍ وَلَكِنْ قَتَلْنَا قَتْلَ عَمْدٍ؛^۱

کسی که اسرار ما را فاش کند ما را به صورت قتل خطا نکشته، بلکه به صورت قتل عمد کشته است.

یا امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

مَنْ أَفْشَى سِرّاً اسْتَوْدَعَهُ فَقَدْ خَانَ؛^۲

هرکس سری را که به او سپرده شده فاش کند، خیانت کرده است.

یا پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند:

يَا أَبَا ذَرٍّ، الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَإِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛^۳

جلسات خصوصی امانت است، و افشای سربارادر مؤمن خیانت می‌باشد، از آن بپرهیز.

امام رضا علیه السلام:

عليكم في أموركم بالكتمان في أمور الدين والدنيا، فإنه روى: أن الإذاعة كفر. و روى «المذيع والقاتل شريكان». و روى «ما تكتمه من عدوك فلا يقف عليه وليك؛^۴

بر شما باد راز پوشی در کارهاتان در امور دین و دنیا. روایت شده که افشاگری کفر است و روایت شده کسی که افشای اسرار می‌کند، با قاتل شریک است و روایت شده که هرچه از دشمن پنهان می‌داری، دوست تو هم بر آن آگاهی نیابد.

نگرش گوینده درباره آن چه بیان می‌کند، در کارکرد عاطفی - که زبان حال گوینده است - مستقیماً تجلی می‌یابد. این کارکرد تأثیری از احساس خاص گوینده به وجود می‌آورد که خواه گوینده حقیقتاً آن احساس را داشته باشد و یا خواه وانمود کند که چنین احساسی را دارد.^۵

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۷۰.

۲. غررالحکم و دررالحکم، ج ۵، ص ۲۶۸.

۳. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۹.

۴. همان، ج ۷۸، ص ۳۴۷.

۵. دو قطب استعارای مجازی، ص ۳۰.

۵-۲. کاربرد ترغیبی (حکمی-کوششی)

چنان چه جهت گیری پیام مربوط به گیرنده آن باشد و منجر به واکنش در شنونده شود، پیام دارای نقش ترغیبی است. بنابراین، ساخت ترغیبی مخاطب محور است و در چنین حالتی بیشتر افعال ندایی، امری، دعایی و چگونگی امور و... قابل مشاهده است. در برخی از منابع از این کارکرد به عنوان کارکرد و نقش ترغیبی، کنایی یا حکمی نیز یاد شده است. درباره امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

لَمَّا كَتَبَ وَهُوَ فِي الْحَبْسِ لِعَلِيِّ بْنِ سُؤَيْدِ السَّائِي: لَا تُفْشِ مَا اسْتَكْتَمْتُكَ؛^۱

امام کاظم علیه السلام در نامه‌ای از زندان به علی بن سوید سائی نوشت: آن چه را که از تو خواسته‌ام مکتوم بداری، فاش مگردان.

در این نامه امر به حفظ اسرار و پیام امام شده است و به عدم افشای آن پیام امر شده است. بنابراین، جنبه ترغیبی یا حکمی است که از سوی امام معصوم صادر گردیده است و حفظ آن ضرورت دارد یا روایتی که پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمودند:

يَا أَبَا ذَرٍّ الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ، وَإِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ؛^۲

جلسات خصوصی امانت است، و افشای سربرادر مؤمن خیانت است. از آن پرهیز.

در این روایت نیز جنبه اجتناب از افشای سرب به صورت دستوری و امری از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به ابوذر داده شده که جنبه حکمی و ترغیبی را نمایان می‌سازد.

۵-۳. کاربرد ارجاعی

چنان چه ارتباط زبانی معطوف به زمینه سخن باشد که بیشتر جهت گیری پیام در موضوع پیام نهفته است و حالت ارجاعی دارد که محتوای پیام زبانی مربوط به مسائلی بیرون از نظام زبانی است، این کارکرد از اصلی‌ترین کارکردهای زبان است که بیشتر برای استفاده در زمینه‌های علمی از آن بهره برده می‌شود. در این کارکرد، روابط میان پیام و موضوعی - که به آن ارجاع می‌شود - مشخص می‌شود.

کارکرد ارجاعی روابط میان پیام و موضوع را مشخص می‌کند و به مصداق ارجاع می‌دهد؛

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۵۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۹.

مثلاً در روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام:

أَمْرَ النَّاسِ بِخَصْلَتَيْنِ فَصَيَّعُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ: الصَّبْرُ وَالْكِتْمَانُ؛^۱

مردم به دو خصلت مأمور شدند، اما آن‌ها را تباه کردند و از این رو، همه چیز را از دست دادند: پایداری و رازداری.

زمینه سخن معطوف به خود ویژگی رازداری به عنوان یک خصلت در افراد جامعه است و هدف، کارکرد ارجاعی جلوگیری از اختلاط نشانه‌ها و شیء است و تنوعات و ارزش‌هایی را که مبتنی بر دلالت‌های ضمنی است، از بین می‌برد. بنابراین، عملکرد این کارکرد بیشتر شناختی و عینی است و در عین حال که گویای ایجاد یک خصلت نیکو در انسان است و جنبه اخباری دارد، از طریق جهان زیست‌های دیگری قابلیت تصدیق یا تکذیب آن وجود دارد و ممکن است در جوامع انسانی دیگری خصلت‌های دیگری در جهان زیست‌های دیگری بتوان جایگزین این خصایص کرد.

وظیفه اصلی بسیاری از پیام‌ها این است که به سوی مدلول (معنا) میل کند؛ یعنی جهت‌گیری‌شان به سمت زمینه باشد.^۲

جهت‌گیری پیام به سمت موضوع یعنی محتوای آن به صورت جملات اخباری باشد که از طرق شواهد و قراین قابل تصدیق و تکذیب باشد و وجه تمایز نقش ارجاعی و ترغیبی در امکان تصدیق و تکذیب است.^۳

این روایت توأمان می‌تواند در بردارنده کارکرد ترغیبی و ارجاعی باشد. نمونه دیگر در روایات معرفی مؤمن و بیان ویژگی‌های اوست که اولین ویژگی رازداری است. از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ، وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ، وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ، فَالْسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ، قَالَ اللَّهُ ﷻ: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ * إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ...^۴

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. دو قطب استعاره مجازی، ص ۷۷.

۳. از زبان‌شناسی به ادبیات، ص ۳۲.

۴. سوره جن، آیه ۲۶-۲۷.

مؤمن، مؤمن نباشد، مگر این که سه خصلت در او باشد: خصلتی از پروردگارش و خصلتی از پیامبرش و خصلتی از ولیّ اش. خصلت پروردگارش رازپوشی است. خداوند - عزّ و جلّ فرموده است: «داناى غیب و نهان است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمى سازد، مگر پیامبری را که پسندیده باشد»^۱.

علاوه بر این که به عنوان ویژگی از آن یاد شده که معیار و سنجه‌ای برای شناسایی مؤمنان در جامعه است نسبت به آن نیز ترغیب شده است و برای تقویت این ویژگی در میان انسان‌ها آثار و نتایجی نیز بیان شده است. بنابراین، زمینه سخن معطوف به خود خصلت رازداری است.

برای افشای اسرار نیز روایاتی از معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که زمینه پیام بیرون از نظام زبانی و متأثر از آن است و آثار و نتایج افشای اسرار در قالب عذاب و از دست دادن ایمان بیان شده است. در روایاتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است:

مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا حَدِيثَنَا سَلَبَهُ اللَّهُ الْإِيمَانَ؛^۲

هر که حدیث ما را به زینمان فاش سازد، خداوند ایمان را از او بگیرد.

یا:

مَنْ أَفْشَى سِرَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَذَاقَهُ اللَّهُ حَرَ الْحَدِيدِ؛^۳

کسی که اسرار ما اهل بیت را افشا کند، خداوند حرارت آهن را به او می‌چشاند (این تعبیر ممکن است اشاره به حرارت سلاح دشمنان بر پیکر او باشد).

کارکردهای گوناگون به طور هم‌زمان عمل می‌کنند و در یک پیام واحد می‌توان انواع این کارکردها را به صورت آمیخته دید که بسته به نوع ارتباط یکی از آن‌ها نقش غالب و مسلط در پیام را ایفا می‌کند و با توجه به واژه‌ها - که می‌توانند معنایی را بیان کنند - تمامی اشکال دلالت و نشانه‌ها در زبان یافت می‌شود.^۴ کارکرد ارجاعی و عاطفی به طور هم‌زمان شالوده مکملی در امر ارتباط هستند که از آن‌ها به عنوان کارکرد دوگانه زبان یاد می‌شود که یکی شناختی - عینی و دیگری ذهنی - احساسی است که هر یک متضمن رمزبندی‌های

۱. بحار الانوار، ج ۶۸ و ۷۵، ص ۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۱۲.

۴. نشانه‌شناسی، ص ۶۵-۶۶.

متفاوتی است که در دلالت‌های ضمنی ریشه دارد.^۱ به همین جهت، می‌توان برخی احادیث ارزاداری را - که دارای کارکرد ارجاعی است - در شمار روایاتی که دارای کارکرد عاطفی هستند، قرار داد و نقش دوگانه‌ای برای آن‌ها قایل شد

۴-۵. کارکرد فرازبانی

نشانه‌ها می‌تواند به شناخت نقش نشانه‌ها در شکل‌گیری مفاهیم دینی در افراد و انتخاب سبک زندگی کمک کند و می‌کوشد نظم حاکم بر ذهن را از طریق بررسی روابط نشانه‌ای شناسایی کند. پس با این نوع نگرش، «هیچ چیز نشانه نیست، مگر این که به عنوان نشانه تفسیرش کنیم».^۲ چنان‌چه جهت‌گیری پیام معطوف به کد یا رمزهای ارتباطی باشد، زبان نقشی فرازبانی را ایفا می‌کند. و آن، زمانی است که کسی برای معنا کردن واژه‌ای از زبان بهره می‌گیرد و از زبان برای صحبت از خود زبان استفاده می‌شود و هدف از آن روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که توضیح داده می‌شود.

پیرس به عنوان یکی از پایه‌گذاران علم نشانه‌شناسی می‌گوید:

همه اندیشه و فکر محصور در نشانه‌هاست.^۳

در این کارکرد نشانه را به رمزگانی که معنایش را از آن گرفته ارجاع می‌دهد و مرجع پیام خود آن رمزگان هستند.^۴

هدف و عملکرد کارکرد فرازبانی تبیین نشانه‌هایی است که ممکن است گیرنده آن را نفهمد و جهت‌گیری آن مبتنی بر رمز است. به بیان دیگر، از نظر یاکوبسن رمز نقش فرازبانی دارد؛ یعنی واژگان مورد استفاده را شرح می‌دهد.^۵

روایاتی که در آن به معرفی محبوب‌ترین یاران اهل بیت علیهم‌السلام، فقیه‌ترین آنان و صاحب سِرّ بودن برخی اشخاص اشاره شده است، بر اساس کارکرد فرازبانی قابل فهم هستند؛ چنان‌که در روایتی از امام باقر علیه‌السلام آمده است:

وَاللَّهِ إِنَّ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَيَّ أَوْعُهُمْ وَأَفْقَهُهُمْ وَأَكْتَمُهُمْ لِحَدِيثِنَا؛^۶

۱. معنی‌شناسی کاربردی، ص ۲۱.

۲. مبانی نشانه‌شناسی، ص ۴۵.

۳. چهار پراگماتیست، ص ۶۱.

۴. نشانه‌شناسی، ص ۲۴.

۵. دو قطب استعاری مجازی، ص ۸۱.

۶. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۳.

به خدا قسم! محبوب‌ترین یارانم نزد من پرهیزگارترین و فقیه‌ترین آن‌ها و کسی است که نسبت به سخنان ما رازدارتر باشد.

یا روایت نقل شده از امام صادق علیه السلام:

مَنْ أذَاعَ عَلَيْنَا حَدِيثَنَا فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ جَحَدَنَا حَقًّا؛^۱

کسی که حدیث ما را به زیانمان فاش سازد، به منزله کسی است که حق ما را انکار کند.

راز نمادی از عالم غیب است و وارد شدن حضرت علی علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحب سر شدن ایشان نشانه‌ای از ورود به دریچه‌های عالم غیب است. همچنین معرفی اشخاص دیگری که در تاریخ از آن‌ها نام برده شده است.

از دیگر نشانه‌هایی که می‌توان از احادیث رازداری برداشت نمود، نماد امنیتی آن است که از انحصاری بودن نقش صاحب سر بودن برای امیرالمؤمنین علیه السلام، می‌توان این مفهوم نمادین را دریافت نمود. در واقع، امنیت مداری و امنیت محوری در احادیث رازداری در بردارنده دو مفهوم کلی است:

۱. انحصاری بودن صاحب السر و ویژه حضرت علی علیه السلام که نشانه خاص بودن ایشان و ضرورت مواجهه خاص و مناسب با ایشان است.

۲. اهل بیت علیهم السلام علاوه بر این که باید امنیت داشته باشند، همواره محور امنی برای دیگران نیز محسوب می‌شوند. این برداشت از امنیت را می‌توان با ضرورت رعایت احترام و حقوق اهل بیت علیهم السلام ارتباط داد.

اسرار - که به معنای امور پنهان و پوشیده است - هم چنان که در سوره «تحریم و مجادله» از آن یاد شده است، رمزهای ارتباطی هستند و زبان نقشی فرازبانی را ایفا می‌کنند.

دیدگاه علامه طباطبایی ذیل آیه سوم سوره تحریم، شاهدی دیگر بر اثبات مدعای مفهوم مذکور از «اسرار» است. ایشان معتقدند:

آیه افشای سرپیامبر صلی الله علیه و آله توسط یکی از همسرانش (حفصه دختر عمر) و آزار شدن پیامبر صلی الله علیه و آله را حکایت می‌کند و از پشتیبانی خدا و جبرئیل و صالح مؤمنین و ملائکه از آن جناب خبر می‌دهد و زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله سری از اسرار خود را نزد بعضی از همسرانش - یعنی حفصه دختر عمر بن خطاب - افشا کرد و به وی سفارش فرمود که این مطلب را به کسی نگوید، همین که حفصه آن سر را برخلاف دستور آن جناب به

دیگری گفت، و قسمتی از سر آن جناب را فاش نموده، از فاش کردن بقیه آن سر خودداری نمود، رسول خدا ﷺ جریان را به عنوان اعتراض به خود او خبر داد؛ یعنی خبر داد که تو سر مرا فاش کردی. آن زن پرسید: چه کسی به تو خبر داد که من این کار را کرده‌ام، و سر تو را فاش ساخته‌ام؟ رسول خدا ﷺ فرمود: خدای علیم و خبیر به من خبر داد، و او خدایی است که عالم به سر و علانیه، و با خبر از سرائر و اسرار است.^۱

در آیه هفتم سوره مجادله نیز: ﴿مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَايَهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ...﴾، نجوا مصدر و به معنای تناجی، یعنی با یکدیگر بیخ گوش سخن گفتن است و می‌فرماید: اگر اهل نجوه سه نفر باشند، چهارمی شان خدا است، و اگر پنج نفر باشند، ششمی آن‌ها خدا است؛ چون خدا با ایشان و عالم به اسرار ایشان است. در اول آیه مسأله آگاهی خدا را ذکر کرد، و فرمود: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ...﴾، و در آخر آیه برای بار دوم می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾. ﴿وَلَا أَدْرِي مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ﴾؛ یعنی و نه کمتر از این‌ها و نه بیشتر. از لطف سیاق این آیه، آن است که با آوردن عدد سه، چهار، پنج، و شش، ترتیب اعداد را رعایت کرده، بدون این که یکی از آن‌ها را تکرار کرده باشد. منظور از با ایشان بودن خدا، با ایشان بودن از حیث علم و آگاهی به سخنانی است که بیخ گوش یکدیگر می‌گویند. می‌فرماید: خداوند در این نجوا شریک ایشان است. با این بیان روشن می‌شود که منظور از چهارم بودن خدا برای سه نفر اهل نجوا و ششم بودن برای پنج نفر اهل نجوا همین است که: خدا با ایشان است در علم، و مشترک با آنان است در اطلاع بر سخنان سرتی آن‌ها، نه این که خداوند عدد سه نفر آنان را به صورت یک انسانی مجسد چهار نفر کند؛ زیرا خداوند منزله از جسمیت و بری از مادیت است.^۲

در آیه سیزدهم سوره مجادله ﴿أَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَاتٍ...﴾ که آیه، حکم صدقه در آیه قبلی را نسخ کرده، و در ضمن عتاب شدیدی به اصحاب رسول خدا ﷺ و مؤمنین فرموده که به خاطر ندادن صدقه به کلی از نجوای با رسول خدا ﷺ صرف نظر کردند و به جز علی بن ابی طالب احدی صدقه نداد و نجوا نکرد، و تنها آن جناب بود که ده نوبت صدقه داد و نجوا کرد و به همین جهت، این آیه نازل شد و حکم صدقه را نسخ کرد...^۳

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۵۵۲.

۲. همان، ج ۱۹، ص ۵۶۹.

۳. همان، ج ۱۹، ص ۵۷۹.

صاحب سرّ بودن امیرالمومنین علیه السلام برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله براساس این آیات و روایات قابل بررسی است؛ اگرچه صاحب سرّ بودن را می توان در کارکرد ارجاعی نیز در نظر گرفت و نقش توأمان برای آن قایل شد. از سوی دیگر، این نمونه های قرآنی نیز شاهدهی برای روشن کردن معناهای نشانه ای در کارکرد فرازبانی به شمار می آیند.

۵-۵. کارکرد همدلی (همسخنانه)

چنانچه ارتباط زبانی به هدف ایجاد تماس و به جریان انداختن گفتگو و مجرای ارتباطی باشد، غالباً کارکرد همدلانه دارد و هدف از آن برقراری و استمرار یا خاتمه دادن به ارتباط و جلب توجه مخاطب است. کارکرد همدلانه می تواند موجب گفتگوهایی شود که موضوع آن ها معطوف به ادامه گفتگو است.^۱ بنابراین واژگانی که تأکید بر تداوم مشارکت در ارتباط دارند، دارای این کارکرد هستند؛ زیرا هدف این کارکرد اتصال و حفظ یا توقف ارتباطات است. از نظر یاکوبسن:

برای برقراری یک ارتباط کلامی به تماس نیاز است؛ یعنی به مجرای جسمی، پیوندی روانی بین گوینده و مخاطب که به هر دوی آنان امکان می دهد با یکدیگر ارتباط کلامی برقرار کنند و آن را ادامه دهند.^۲

در اصطلاح عرفا راز ارتباطی است که بین عالم مُلک و عالم ملکوت استوار است. اسرار قابل درک هستند و از نظر عرفایی مانند ابن عربی، سر حلقه رازهای این عالم خداوند است و او سرّالاسرار است و تمام رازها از او سرچشمه می گیرد و رازآلود بودن جهان به دلیل این است که در عالم خدایی وجود دارد و علاوه بر طبیعت، ماورای طبیعتی هم ممزوج و درآمیخته با آن وجود دارد. بنابراین ادراک راز در عین راز بودن وجود دارد.^۳

با این رویکرد، حضرت امیر علیه السلام به کمال می فرماید:

همان که در این جایگاه (سینه ایشان) دانش بسیاری است که اگر حاملان شایسته اش را می یافتم، به ایشان می آموختم. آموزندگان تیزبین را می یابم و بر آنان ایمنی نیام که ابزار دین را در کار دنیا می کنند و با نعمت ها و حجت های حق بر بندگان و اولیای خدا فضل می فروشند یا کسی را می یابم که منقاد حاملان حق است و وی را در اکناف آن بصیرتی نیست. اولین شبهه ای جام شک در جان

۱. نشانه شناسی، ص ۲۳-۲۲.

۲. دو قطب استعاری مجازی، ص ۷۷.

۳. «سرّ و مصادیق آن در عرفان با تأکید بر اندیشه ابن عربی»، ص ۲۶۳.

می‌ریزد که نه آنان را شایستگی دانش بود و نه این را. کسی را می‌یابم که آزمند لذت است و منقاد شهوت یا آن که او را تنها به گرد کردن مال و ذخیره آن می‌پردازد و این دو کس را عیان دین نیستند که چارپای رها شده در علفزار بیشتر به ایشان ماند و دانش نیز با مرگ حاملان اش پای در دیار عدم کشاند.^۱

در این بیانات از حضرت امیر که با هدف انجام گفتگو با کمیل صورت گرفت حضرت از علمی سخن می‌گوید که در ظرفی و قلبی قرار گیرد که قابلیت حمل آن را دارا باشد و بر اساس دعاهایی که به کمیل آموختند می‌توان کارکرد همدلی در کلام ارتباطی حضرت علی علیه السلام را دریافت. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَزَّ وَجَلَّ قَوْمًا بِالْأَذَاعَةِ، فَقَالَ: إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَدَاغُوا بِهِ، فَإِيَاكُمْ وَالْأَذَاعَةَ؛^۲
 خداوند گروهی را به خاطر افشای اسرار سرزنش فرموده و گفته است: هنگامی که مطلبی درباره امنیت یا خوف (پیروزی یا شکست) به آن‌ها می‌رسد، فوراً آن را فاش می‌کنند (یا آن‌ها را به عنوان پیروزی از خطرات دشمن غافل می‌سازند و یا به عنوان شکست مأیوس می‌کنند). بنابراین از افشای اسرار بپرهیزید.

در همه این احادیث به گونه‌ای امام علیه السلام توجه مخاطب را جلب می‌کند و دریافت پیام منجر به ادامه گفتگو و مشارکت در ارتباط میان امام و شاگردان و مخاطبان‌شان می‌شود و

۱. و مِنْ كَلَامِ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِكَمَيْلِ بْنِ زِيَادِ النَّخَعِيِّ. قَالَ كَمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ أَخَذَ بِيَدِي أَمِيرًا لِمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَخْرَجَنِي إِلَى الْجَبْتَانِ فَلَمَّا أَصْحَرَ تَنَفَّسَ الصُّعْدَاءُ ثُمَّ قَالَ يَا كَمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ: إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبُ أَوْعِيَةٌ فَخَيْرُهَا أَوْعَاها، فَاحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. الثَّامِسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَّجٌ زَعَاغٌ، أَتَّبَعُ كُلِّ نَاعِيٍّ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ. يَا كَمَيْلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ، الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَأَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ، وَالْمَالُ تَنْفُضُهُ التَّفَقُّهُ وَالْعِلْمُ يَرْكُضُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، وَصَنِيعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ. يَا كَمَيْلُ بْنُ زِيَادٍ مَعْرِفَةُ الْعِلْمِ دِينٌ يُدَانُ بِهِ، بِهِ يَكْسِبُ الْإِنْسَانُ الطَّلَاعَةَ فِي حَيَاتِهِ وَجَمِيلَ الْأُخْدُوَّةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ، وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ وَالْمَالُ مَحْكُومٌ عَلَيْهِ. يَا كَمَيْلُ هَلْكَ خُرَانُ الْأَهْوَالِ وَهُمْ أَحْيَاءُ وَالْعُلَمَاءُ بَاقُونَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ؛ أَعْيَانُهُمْ مَفْقُودَةٌ وَأَمْثَالُهُمْ فِي الْقُلُوبِ مَوْجُودَةٌ. هَا إِنَّ هَاهُنَا لِعِلْمًا جَمًّا - وَأَشَارَ بِيَدِهِ إِلَى صَدْرِهِ - لَوْ أَصَبْتُ لَهُ حِمْلَةً؛ بَلَى [أَصِيبٌ] أَصِيبْتُ لَقِينَا عَيْرَ مَأْمُونٍ عَلَيْهِ، مُسْتَعْمَلًا آلَةَ الدِّينِ لِلدُّنْيَا وَمُسْتَظْهَرًا بِنِعْمِ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ وَبِحُجْجِهِ عَلَى أَوْلِيَانِهِ؛ أَوْ مُنْقَادًا لِحِمْلَةِ الْحَقِّ، لَا بَصِيرَةَ لَهُ فِي أَحْنَانِهِ، يَنْفَدُخُ الشُّكُّ فِي قَلْبِهِ لِأَوَّلِ عَارِضٍ مِنْ شُبُهَةٍ، أَلَا لَا ذَا وَلَا ذَاكَ؛ أَوْ مَثُومًا بِاللَّدَّةِ سَلَسِ الْقِيَادِ لِلشَّهْوَةِ أَوْ مُغْرَمًا بِالْجَمْعِ وَالْإِخَارِ؛ لَيْسَ مِنْ رِعَاةِ الدِّينِ فِي شَيْءٍ، أَقْرَبُ شَيْءٍ شَبَهًا بِهِمَا الْأَنْعَامُ السَّائِمَةُ؛ كَذَلِكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ بِمَوْتِ حَامِلِيهِ. اللَّهُمَّ بَلَى لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجْجَةٍ أَمَّا ظَاهِرًا مَشْهُورًا أَوْ آخِئًا مَعْمُورًا، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ، وَكَمْ ذَا وَأَيْنَ أَوْلِيَاكَ؟ أَوْلِيَاكَ وَاللَّهِ الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَالْأَعْظَمُونَ عِنْدَ اللَّهِ قَدْرًا، يَحْفَظُ اللَّهُ بِهِمْ حُجْجَهُ وَبَيِّنَاتِهِ، حَتَّى يُودِعُوهَا نُظْرَاءَهُمْ وَيَرْزَعُوهَا فِي قُلُوبِ أَشْبَاهِهِمْ؛ هَجَمَ بِهِمُ الْعِلْمُ عَلَى حَقِيقَةِ الْبَصِيرَةِ وَبَاشَرُوا رُوحَ الْبَاقِينَ وَاسْتَلَوْا مَا اسْتَوْعَرَهُ الْمُتْرَفُونَ وَانْشَوْا بِمَا اسْتَوْحَشَ مِنْهُ الْجَاهِلُونَ، وَصَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَأَ حُجْجَهَا مُعَلِّقَةً بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى؛ أَوْلِيَاكَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالِدَاعَةُ إِلَى دِينِهِ؛ أَوْ أَوْ، شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِمْ. انْصُرْ يَا كَمَيْلُ إِذَا شِئْتَ.

۲. نهج البلاغه، ترجمه شریعتی، حکمت ۱۴۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۶۵.

همین ارتباط همدلانه است که موجب می‌گردد برخی در شمار خواص یاران و اصحاب ائمه علیهم‌السلام قرار گیرند.

۵-۶. کارکرد زیبایی شناختی (هنری - شعری - ادبی)

اگر ارتباط زبانی معطوف به خود زبان و درنگ درباره آن باشد، کارکرد و نقش هنری یا زیبایی شناختی دارد. در این کارکرد، جهت‌گیری به سمت خود پیام است و به ظواهر پیام توجه می‌شود. برخی این نوع از کارکرد زبان را نقش زیباآفرینی یاد کرده‌اند. در این کارکرد مرجع پیام خود پیام است و خود پیام موضوع آن است.^۱

این کارکرد رابطه میان پیام و خود پیام را روشن می‌کند که هدف آن برجسته کردن ویژگی‌های متن است. روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید:

إِذَا حَدَّثَ الرَّجُلُ الْحَدِيثَ، ثُمَّ التَّقَتْ فِيهِ أَمَانَةٌ؛

هنگامی که شخصی سخنی با دیگری می‌گوید، سپس به اطراف خود نگاه می‌کند (که دیگری آن را نشنود)، آن به منزله امانت است.

بیانات حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ؛^۲

هرکس راز خود را بپوشاند، قدرت انتخاب در دست اوست.

یا

إِنْفَرِدُ بِسِرِّكَ وَلَا تُودِعُهُ حَازِمًا فَيَزِلَّ وَلَا جَاهِلًا فَيُخُونُ؛^۳

رازت را تنها برای خودت نگهدار و آن را نه به دوراندیش سپار که می‌لغزد و نه به نادان، که خیانت می‌کند.

جهت‌گیری سمت خود پیام - که رازداری در نزد خود فرد است - اشاره دارد.

در حدیثی امام صادق علیه‌السلام از عمار پرسید: آیا آن سری را که به تو گفتم، به کسی گفتمی؟ عرض کرد: نه، به هیچ کس نگفتم، جز به سلیمان بن خالد. فرمود: آفرین (و به همین دلیل فاش شده است). آیا قول شاعر را شنیده‌ای که می‌گوید: «فَلَا يَغْدُونَ سِرِّي وَ سِرِّي ثَالِثًا أَلَا كُلُّ سِرِّ جَاوَزَ الْأَثْنَيْنِ شَايِعٌ؛ سِرِّي كَمَا مَنَ وَ تَوَاسَتَ، نَبَايِدُ بِهٖ شَخْصٌ سَوْمِي بَرَسْدٌ؛ چَرا كِه هَر سِرِّي از دو نفر تجاوز کند، پخش می‌شود؟^۴

۱. معنی‌شناسی کاربرد، ص ۲۱-۶۴.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۶۲.

۳. غرر الحکم و درر الحکم، ص ۲۳۰۶.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۲۲۴.

یا امام علی علیه السلام:

إِحْفَظْ أَمْرَكَ وَلَا تُنْكِحْ خَاطِبًا سِرِّكَ؛^۱

امور مربوط به خودت را نگهدار و دختر رازت را عروس هر خواستگاری مکن.

این روایت، علاوه بر نقش زیباآفرینی و ادبی که دارد، معطوف به خود موضوع رازداری و ضرورت حفظ راز است که هم اهمیت موضوع را منتقل می‌کند و توجه را به اصل موضوع رازداری معطوف می‌کند و هم به لحاظ جنبه‌های زیبایی‌شناختی و ادبی قابل تأمل است؛ زیرا در بردارنده لطایف ادبی و نکات بلاغی است.

تحلیل نشانه‌شناختی احادیث «رازداری» بر اساس کارکردهای شش‌گانه ارتباطی کلامی پاکوبسن	
نمونه‌ای از روایات	کارکردهای شش‌گانه
مَا قَتَلْنَا مِنْ أَدَاعٍ حَدِيثَنَا قَتَلَ خَطَاءً وَلَكِنْ قَتَلْنَا قَتْلَ عَمْدٍ... كَيْتَمَانُ سِرْنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	کارکرد عاطفی (بیانی)
لَمَّا كَتَبَ وَهُوَ فِي الْحَبْسِ لِعَلِيِّ بْنِ سُؤْيِدِ السَّائِي: لَا تُفْشِ مَا اسْتَكْتَمْتَكُ بِأَبَادِرِ الْمَجَالِسِ بِالْأَمَانَةِ، وَأَفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَأَجْتَنِبْ ذَلِكَ	کارکرد ترغیبی (حُکمی-کوششی)
أَمْرُ النَّاسِ بِخَصَلَتَيْنِ فَصَيَّغُوهُمَا فَصَارُوا مِنْهُمَا عَلَى غَيْرِ شَيْءٍ: الصَّبْرُ وَالْكِتْمَانُ مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا حَدِيثَنَا سَلَبَهُ اللَّهُ الْإِيمَانَ	کارکرد ارجاعی
إِنَّ أَحَبَّ أَصْحَابِي إِلَيَّ أَوْرَعُهُمْ وَأَفْقَهُهُمْ وَأَكْتَمُهُمْ لِحَدِيثِنَا... مَنْ أَدَاعَ عَلَيْنَا حَدِيثَنَا فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ جَحَدَنَا حَقَّنَا	کارکرد فرازبانی
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَيَّرَ قَوْمًا بِالْأَدَاعَةِ، فَقَالَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَاعُوا بِهِ، فَيَأْتِيكُمْ وَالْأَدَاعَةُ... كلام حضرت امیر <small>علیه السلام</small> به کمیل	کارکرد همدلی (هم سخنانه)
مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بَيْدِهِ إِحْفَظْ أَمْرَكَ وَلَا تُنْكِحْ خَاطِبًا سِرِّكَ	کارکرد زیبایی شناختی (هنری - شعری - ادبی)
نتایج	

۱. غرر الحکم و درر الحکم، ص ۲۳۰۵.

تحلیل نشانه‌شناختی احادیث «رازداری» بر اساس کارکردهای شش‌گانه ارتباطی کلامی یاکوبسن

۱. بخش قابل توجهی از این روایات قابلیت تطبیق با نظریه یاکوبسن و کارکردهای شش‌گانه در این رویکرد را دارا هستند.
۲. در برخی از احادیث می‌توان چندین کارکرد را به صورت توأمان یافت که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.
۳. بسامد این روایات در کارکردهای مختلف به صورت تک کارکردی و چند کارکردی قابل مشاهده است.
۴. مفروض اصلی این پژوهش کارکرد نشانه‌شناسی در انتقال اندیشه از طریق پیام است و به وسیله این روش می‌توان به توضیح کیفیت حالات ارجاعی و سایر کارکردهای زبانی ارتباطی پرداخت و از بیناذهنی بودن برخی احادیث و دلالت (ارجاع) آنها سخن گفت.
۵. رازداری به عنوان یک رمز می‌تواند به صورت‌های گوناگونی متناسب با فرستنده و گیرنده پیام تفسیر شود و دو قطب مهم پیام را - که رمزگذاری و رمزگشایی است - تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، در تولید معنا علاوه بر نقش‌های زبانی مسائل فرازبان‌شناختی نیز دخیل است. به همین دلیل است که این اصل در سطوح مختلف به عنوان اصلی مهم قلمداد می‌شود.
۶. رازداری با نقش و کارکرد ترغیبی می‌تواند نوعی از شورانگیزی در فرد ایجاد کند تا روحیه امانت‌داری و رازپروری در خویشتن و جامعه را ایجاد نماید و در عین تنوعی که در کارکردهای مختلف احادیث رازداری قابل مشاهده است، وحدت کارکردی آن می‌تواند ایجاد و حفظ امنیت در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی را برای نسل‌های مختلف فارغ از زمان صدور این روایات به ارمغان آورد.

تحلیل نشانه‌شناختی احادیث «رازداری» بر اساس کارکردهای شش‌گانه ارتباطی کلامی پاکوبسن	
کارکردهای شش‌گانه	نمونه‌ای از روایات
کارکرد عاطفی (بیانی)	ما قتلنا من أذاع خديتنا قتل خطأ ولكن قتلنا قتل عمدا...
کارکرد ترغیبی (حکمی-کوششی)	كتمان سِرنا جهاد في سبيل الله
	لما كتب و هو في الخبس لعلني بن سويد السائي : لا تُفشي ما استكتمتكَ يا اباذر المجاليس بالامانة، و افشاء سِر أخيك خيانة، فأجتنب ذلك
کارکرد ارجاعی	أمر الناس بخصمتين فضيئوهما فصاروا منهما على غير شي: الضُّرُّ و الكتمان من أذاع علينا خديتنا سلبه الله، الإيمان
کارکرد فرازبانی	إن أحب أصحابي إلي أوزعهم و أفقرهم و أكتهم ليخديتنا... من أذاع علينا خديتنا فهو بمنزلة من جحدنا حقتنا
کارکرد همدلی (هم‌سخنانه)	إن الله عز و جل عيّر قوما بالأذاعة، فقال إذا جائهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به، فليأثم والأذاعة...
	كلام حضرت امير(ع) به كميل من كتم سره كات الخيرة بنده
کارکرد زیبایی شناختی (هنری- شعری- ادبی)	إحفظ أمتك و لا تُفشي خابليا سرك
نتایج	
<p>۱. بخش قابل توجهی از این روایات قابلیت تطبیق با نظریه پاکوبسن و کارکردهای شش‌گانه در این رویکرد را دارا هستند.</p> <p>۲. در برخی از احادیث می‌توان چندین کارکرد را به صورت توأمان یافت که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.</p> <p>۳. بسامد این روایات در کارکردهای مختلف به صورت تک کارکردی و چند کارکردی قابل مشاهده است.</p> <p>۴. مفروض اصلی این پژوهش کارکرد نشانه‌شناسی در انتقال اندیشه از طریق پیام است و به وسیله این روش می‌توان به توضیح کیفیت حالات ارجاعی و سایر کارکردهای زبانی ارتباطی پرداخت و از بین‌ذهنی بودن برخی احادیث و دلالت (ارجاع) آنها سخن گفت.</p> <p>۵. رازداری به عنوان یک رمز می‌تواند به صورت‌های گوناگونی متناسب با فرستنده و گیرنده پیام تفسیر شود و دو قطب مهم پیام را - که رمزگذاری و رمزگشایی است - تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، در تولید معنا علاوه بر نقش‌های زبانی مسائل فرازبان‌شناختی نیز دخیل است. به همین دلیل است که این اصل در سطوح مختلف به عنوان اصلی مهم قلمداد می‌شود.</p> <p>۶. رازداری با نقش و کارکرد ترغیبی می‌تواند نوعی از شورانگیزی در فرد ایجاد کند تا روحیه امانت‌داری و رازپروری در خویش و جامعه را ایجاد نماید و در عین توعی که در کارکردهای مختلف احادیث رازداری قابل مشاهده است، وحدت کارکردی آن می‌تواند ایجاد و حفظ امنیت در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی را برای نسل‌های مختلف فارغ از زمان صدور این روایات به ارمغان آورد.</p>	

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله - که مطالعه‌ای میان رشته‌ای با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از الگوی رومن یاکوبسن انجام شد - درمی‌یابیم که در بررسی احادیث رازداری که بالغ بر ۱۳۰ حدیث است، بخش قابل توجهی از این روایات قابلیت تطبیق با نظریه یاکوبسن و کارکردهای شش‌گانه در این رویکرد را دارا هستند و در برخی از احادیث می‌توان چندین کارکرد را به صورت توأمان یافت که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند.

مفروض اصلی این پژوهش - که کارکرد نشانه‌شناسی در انتقال اندیشه از طریق پیام است - گویای این است که در احادیث رازداری به صورت‌های مختلف که توسط امامان معصوم صادر شده، در قالب کارکردهای شش‌گانه نظریه یاکوبسن به آن اشاره شده است و بسامد آن در کارکردهای مختلف به صورت تک‌کارکردی و چندکارکردی قابل مشاهده است و از ترکیب قرار گرفتن این کارکردها در کنار یکدیگر می‌توان استنتاج کرد که نشانه‌شناسی به مثابه روش شناخت امور و پدیده‌ها در گرو تحلیل رابطه نشانه‌هاست و به بررسی معنایی می‌پردازد که به وسیله آن می‌توان به فهم عمیق‌تری از احادیث رازداری و کارکردهای آن دست یافت و به وسیله این روش می‌توان به توضیح کیفیت حالات ارجاعی و سایر کارکردهای زبانی ارتباطی پرداخت و از بیناذهنی بودن برخی احادیث و دلالت (ارجاع) آن‌ها سخن گفت.

رازداری - که به عنوان نشانه و رمزی برآمده - از آیات قرآنی و احادیث است و محتوایی هدایت بخش دارند که پس از گذر از قلب پیامبر ﷺ و معصومین  - که دارای عصمت هستند - در قالب کدها و رمزهایی به پیامبر ﷺ و معصومین  در موضوعات مختلف منتقل شده است و از ایشان به تناسب موضوع و شرایط به برخی از اصحابشان منتقل شده است و با مکتوب شدن روایات به دست ما رسیده است.

در روایات موضوع رازداری به نظر می‌رسد کارکرد ترغیبی زبان براساس مدل یاکوبسن بیش از سایر کارکردها به چشم می‌خورد؛ زیرا مخاطب را ترغیب به رازداری در سطوح مختلف زندگی نماید و پیام آن که امنیت بخشی در سطوح مختلف اجتماعی است را به ارمغان آورد.

با توجه به این که در رویکرد رومن یاکوبسن رمزها هم می‌توانند درونی و هم بیرونی باشند. بنابراین نمی‌تواند براساس دیدگاهی ثابت و به صورت پایدار مورد تفسیر قرار گیرد و از روندی ثابت برخوردار

باشد. بنابراین، رازداری به عنوان یک رمزی تواند به صورت‌های گوناگونی متناسب با فرستنده و گیرنده پیام تفسیر شود و دو قطب مهم پیام را - که رمزگذاری و رمزگشایی است - تحت تأثیر قرار دهد. در نتیجه، در تولید معنا علاوه بر نقش‌های زبانی، مسائل فرازبان شناختی نیز دخیل است. به همین دلیل است که این اصل در سطوح مختلف اعم از فردی و اجتماعی و حتی حوزه‌های علمی به عنوان اصلی مهم قلمداد می‌شود.

رازداری به مثابه یک نشانه، مطالعه خاصیت ارجاعی گزاره‌های رازداری و نسبت این گزاره با حقیقت و زندگی جاری میان جوامع انسانی را امکان‌پذیر می‌کند و کاربرد آن در بررسی مفاهیم حدیثی به کاوش در رابطه ارجاعی بین واژه‌های رازداری و افشای راز و معنای آن‌ها بر مبنای رابطه دال و مدلولی و از جمله مواردی مانند تفسیر، ... و مقایسه این مفاهیم صورت می‌گیرد که نه صرف مفاهیم، بلکه ارجاع‌های آن‌هاست که مورد اهمیت است. از سوی دیگر، رازداری که به عنوان ویژگی مومن در روایات بر شمرده شده است با نقش و کارکرد ترغیبی می‌تواند نوعی از شورانگیزی در فرد ایجاد کند تا روحیه امانت‌داری و رازپروری در خویشتن و جامعه را ایجاد نماید و در عین تنوعی که در کارکردهای مختلف احادیث رازداری قابل مشاهده است، وحدت کارکردی آن می‌تواند ایجاد و حفظ امنیت در روابط فردی، خانوادگی و اجتماعی را برای نسل‌های مختلف فارغ از زمان صدور این روایات به ارمغان آورد.

۷. کتابنامه

- قرآن کریم.
 احیاء العلوم، غزالی، جلد ۳، قاهره: دارالکتب العربیه، ۱۹۶۰ م.
 از زبان‌شناسی به ادبیات، صفوی، جلد اول، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۰ ش.
 آداب معاشرت، مجلسی، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای (ترجمه جلد ۷۱-۷۲ بحار الانوار)، مصحح: محمد بهشتی، قم: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
 بحار الانوار، مجلسی، قم: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۳ ش.
 جامع السعاده، نراقی، ترجمه: سید جلال‌الدین مجتبی، تهران: حکمت، ۱۳۶۶ ش.
 چهار پراگماتیست، شفلر، ترجمه: محسن حکیمی، تهران: مرکز، ۱۳۶۶ ش.
 حقیقة الحقیقه و شریعة الطریقه، سنایی، تصحیح: محمدتقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷ ش.

دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، مکاریک، ترجمه: مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگاه، ۱۳۸۴ش.

درآمدی بر نشانه‌شناسی، دینه سن، ترجمه: مظفر قهرمان، آبادان: پریش، ۱۳۸۰ش.
 دو قطب استعاره‌ی مجازی، یاکوبسن، ترجمه: احمد اخوت، اصفهان: مشعل، ۱۳۶۹ش.
 روندهای بنیادین در دانش زبان، یاکوبسن، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: هرمس، ۱۳۸۵ش.
 زبان‌شناسی و شعرشناسی، یاکوبسن، ترجمه: کوروش صفوی، تهران: هرمس، ۱۳۸۰ش.
 عناصر نشانه‌شناسی، بارت، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۱ش.
 غرر الحکم و درر الحکم، آمدی، قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰ق.
 فرهنگ فارسی، معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
 الکافی، کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
 لغت‌نامه دهخدا، دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ش.
 اللمع فی التصوف، سراج طوسی، ترجمه: مهدی محبتی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲ش.
 مبانی نشانه‌شناسی، چندلر، ترجمه: مهدی پارسا، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۶ش.
 مجمع البحرين، طریحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷ش.
 المحجبه البیضاء، فیض کاشانی، تحقیق: ضیاء‌الدین الحسینی، مکتبه امیرالمومنین، ۱۴۰۶ق.

مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، مجلسی، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
 معنی‌شناسی کاربردی، صفوی، تهران: همشهری، ۱۳۸۲ش.
 المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ناشر: دفتر نشر الکتاب، ۱۴۰۴ق.
 المیزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ش.
 نشانه‌شناسی ادبی در کاربرد قرآن و حدیث، راشد محصل، تهران: روزگار، ۱۳۸۰ش.
 نشانه‌شناسی کاربردی، سجودی، تهران: علم، ۱۳۸۷ش.
 نشانه‌شناسی، گیرو، ترجمه: محمد نبوی، تهران: آگاه، ۱۳۸۷ش.
 نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه: مهدی شریعتی، تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۲ش.
 «تحلیل اخلاقی مسأله افشای سرّ در فرآیند مشاوره (با رویکرد اسلامی)»، عروتی موفق، فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق، ۱۳۹۶، سال دهم، ص ۷-۲۸.

- «دانش نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن»، قائمی نیا، فصلنامه قرآن و علم، ۱۳۸۶، شماره اول، ص ۱۳۷-۱۶۰.
- «راز و رازداری در عرفان مولوی»، پیروز؛ باقری خلیلی، فصلنامه تاریخ ادبیات فارسی، ۱۳۸۶، شماره ۵۹/۳، ص ۱۶-۳۲.
- «سرّ و مصادیق آن در عرفان با تاکید بر اندیشه ابن عربی»، صادقی حسن آبادی؛ زارع، فصلنامه ادیان و عرفان، ۱۳۹۲، سال ۴۷، شماره دوم، ص ۲۶۳-۲۸۱.
- «فراز و فرود نشانه‌شناسی از دانش تا روش»، کوپال، فصلنامه باغ نظر، ۱۳۸۶، شماره ۷. ص ۳۹-۴۹.
- «مفهوم رازداری در آثار متقدمان ادبیات عرفانی (به استناد به آیات و احادیث)»، شریعتی؛ زارع، فصلنامه فدک سبزواران، ۱۳۹۰، سال دوم، شماره ۹، ص ۵۱-۶۵.
- «نشانه‌شناسی؛ نظریه و روش»، تاجیک، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۳۸۹، سال پنجم، شماره ۴، ص ۷-۳۹.
- «نگاهی به حدیث المجالس بالامانه»، مرادی، فصلنامه علوم حدیث، ۱۳۹۲، سال هجدهم، شماره اول، ص ۱-۲۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی